

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. یکی از مباحث الهیات که سخت برای همگان پر جاذبه است و در همهٔ زمان‌ها و همهٔ مکان‌ها با علاقه پی می‌گیرند، مبحث عدل الهی است. این مبحث، با انگیزه دادن به انسان‌ها برای کارهای خیر گره خورده است؛ چرا که می‌تواند با نشان دادن ژرفای اختیار انسان، او را به کار خیر وادارد.

طبعاً تشویق انسان به بهره‌گیری از فرصت‌ها و امکانات موجود برای بهینه‌سازی دنیا و آخرت، زمانی به ثمر می‌رسد که انسان باور کند آگاه و مختار است و جبری در کار نیست. بلکه خدایی که او را آفریده، به او برنامه و توفیق می‌دهد و مدد می‌رساند تا زمینه را برای تکامل معنوی او فراهم سازد بدون اینکه مجبورش بدارد.

۲. زمینه مهم دیگر در بحث عدل، تبیین حیطة مسئولیت انسان است. کریمه راهگشای «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يَغْيِرُوا مَا يَنْفُسُهُمْ» زمانی در فرهنگ فردی و اجتماعی نهادینه می‌شود که ما: اولاً اراده خود را «فعل واقعی» خود بدانیم. ثانیاً تأثیر آن در عوالم تکوین را نیز باور کنیم؛ و با توجه تمام به تقدیر الهی، تدبیر انسان و تأثیر آن در امور را نیز نادیده نگیریم.

۳. فایده و ضرورت دیگر بحث عدل الهی، پاسخی به بحث شرور، تفاوت‌ها، تبعیض‌ها، دشواری‌ها، شکست‌ها، نامرادی‌ها و ناملازمات زندگی است که از دیرباز، همزاد بشر بوده و همچنان هست. دنیاگذاری است گذرا، که به تعبیر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام): «دار بالبلاء محفوفة و بالغدر معروفة». در این دنیای پرچالش چه باید کرد؟ تسلیم ناملازمات شدن و توجیه شکست‌ها به بیان

شاعرانه که تصور شود «گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه ...» یا تغییر فضا در حدّ توان؛ گزینه دوم جز با قبول درونی اختیار انسان به نتیجه نمی رسد.

۴. بحث اخیر برای تمام بشر مطرح است. گستره ناملازمات چنان کلاف سردرگمی برای انسان می سازد که عامی و عالم را به خود مشغول می دارد. پیامد این مطلب، ظهور آثار فلسفی و ادبی فراوانی است که هر یک به بیانی و زبانی در مورد این امور ناگوار، از خود سلب مسئولیت کرده و گناه را به دیگران (فلک، روزگار، چرخ گردون کجمدار، گنبد دوار، جبر تاریخ، شانس بد، بخت کج و ...) افکنده اند. رباعیات مناسب به خیام نمونه بارز این نگرش در ادبیات فارسی است. و این قصه همچنان ادامه دارد.

۵. میراث فرهنگی - عقیدتی گرانسنگ شیعی در این زمینه سخن بسیار دارد. اما این سخنان مانند مواد معدنی در لایه های زیرین معدن های مختلف نهفته است که باید نه تنها استخراج شود، بلکه با پردازش مناسب عرضه شود. لذا کارشناسی جامع الاطراف باید، تا پیوسته و بی گسست، پاسخ های مورد نیاز را از دل منابع معتبر برآورند.

برای این کار، از یک سوی باید پرسش ها را درست و دقیق بشناسد؛ با منابع نیز دقیق (به گونه درایت نه روایت محض) آشنا باشد؛ نسبت به شیوه این استخراج آگاه باشد و سرانجام، با سلیقه ای در خور، تار و پود سخن و محتوا را در هم آمیزد و به نیاز فکری نیازمندان پاسخ دهد.

۶. رسالت جهانی که دین خاتم دارد، از دیرباز ضرورتی گریزناپذیر برای سیر در آفاق اندیشگی پدید آورده است، که مجاهدات مخلصانه سلف صالح، آینه ای بر انجام وظیفه صادقانه آنان در این وادی است. ولی در دنیای ارتباط - محور فعلی، این ضرورت جدی تر شده و تلاش سنگین تر می طلبد. سیر

شتابناک تحولات و گردش آزاد اطلاعات در سطح جهان، همه گونه اندیشه و شبه اندیشه را سوار بر موج ارتباطات به سرعت به هر کرانه دنیا، بلکه به هر گوشه‌ای از ذهن‌ها می‌برد.

اقتضای این چگونگی کاری است در عرصه پاسخ‌گویی، بسی فراتر از مجاهدت پیشینیان.

۷. در میان فلاسفه مغرب زمین، مسائل عدل‌الهی به ویژه در بحث شرور، بسیار بحث‌برانگیز است. ورود پخته و سنجیده در این عرصه اندیشه‌سوز، ضرورت تبیین وجه خردپذیر و پاسخ‌گوی نصوص و حیانی به مسائل فکری است. دنیای امروز ادعای محض را نمی‌پذیرد و برای این گونه پاسخ‌گویی‌ها مدرک و سند می‌خواهد که در قالب مقاله و پژوهش باید ارائه شود.

۸. در این شماره از سفینه، پرونده ویژه عدل‌الهی را می‌بندیم. بیش از چهل گفتار در باب جوانب و ابعاد مختلف عدل‌الهی که در این شش شماره (۵۰ تا ۵۵) منتشر شد، گوشه‌ای از ظرفیت فرهنگ غنی دو یادگار ماندگار رسول خاتم (یعنی قرآن و عترت) در این مسئله مهم را می‌نمایاند. نیک می‌دانیم که هنوز ناگفته‌های گفتمانی بسیار است، ولی امکانات محدود از یک سوی و ضرورت پرداختن به موضوع‌های دیگر، بیش از این مجال توجه به این مهم را به ما نمی‌دهد.

در اینجا باید سپاس مجدد خود را از نویسندگان، داوران و ویراستاران که در نگارش، داوری و ویرایش مطالب کوشیدند، و نیز از خوانندگان فرهیخته که با حوصله و دقت مطالب را پی گرفتند، ابراز کنیم، بدان امید که در آینده نیز، همچنان باب این همکاری گشوده بماند. دوام توفیق آن‌ها را به دعای خیر حضرت بقیه الله ارواحنا فدا، از خدای حکیم مسئلت داریم.